

امام شهید، عاشقانه‌های شاملو برای آیدا را سرشار از مضامین ناب می‌دانست

18 تیر 1405

افشین علاء شاعر شناخته‌شده در حوزه تخصصی شعر کودک و نوجوان با تجربیات ارزشمند در قالب‌های نیمایی و همچنین غزل از ابتدای دهه ۷۰ در «جلسات دیدار امام شهید با شاعران» حضور داشته است.

او خاطراتی از جمله «تجلیل امام شهید از عاشقانه‌های شاملو برای آیدا را» به یاد می‌آورد که شاید کم‌تر شنیده شده باشند.

به گزارش مادران و دختران به نقل از خبرگزاری خبرآنلاین، آن‌طور که در مطلبی با عنوان «گزارشی از حضور آیت‌الله خامنه‌ای در انجمن‌های شعری» در بخش «دیگران» پایگاه اطلاع‌رسانی khamenei.ir آمده است نخستین باری که ایشان در انجمنی ادبی حضور پیدا کردند در پی دوستی با غلامرضا قدسی؛ غزل‌سرا بود. این انجمن، انجمن ادبی فردوسی مشهد نام داشت که عبدالعلی نگارنده، سرگرد بازنشسته آن را در سال ۱۳۲۵ پایه‌گذاری کرده بود. در ادامه این مطلب از انجمن فرخ به‌عنوان دومین انجمن ادبی در مشهد نام برده شده است که ایشان پیش از رفتن به قم برای ادامه تحصیل، در جلسات آن شرکت می‌کردند. همچنین به آشنایی‌شان با «ابوزیاده‌های» عربی در زندان قزل‌قلعه تهران در پی هم‌پند شدن با عرب‌های خوزستان در سال ۱۳۴۲ اشاره شده است. درخصوص ادامه این روند در مطلبی دیگر با عنوان «گزارشی کوتاه از زندگی ادبی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای» آمده است: «شروع مبارزات سیاسی و بازداشت‌های مکرر و زندان‌های پی‌درپی، خیلی از تکاپوهای جانبی ایشان را تحت‌الشعاع قرار داد.... تا سال‌های پس از انقلاب که شنیدند نخستین تشکل شاعران انقلاب شکل گرفته و شب‌ها در منزل یک‌دیگر جلسه دارند اما تنها توانستند در سه، چهار جلسه این تشکل حضور پیدا کنند...» نویسنده این مطلب در ادامه به «حضور گزیده شاعران در مهمانی افطار» در سال‌های ریاست‌جمهوری ایشان اشاره می‌کند و سپس از عمومی‌تر شدن این جلسات طی سال‌های بعد می‌گوید.

حکایت دیدار امام شهید با شاعران

افشین علاء، شاعر شناخته‌شده که اگرچه حوزه تخصصی‌اش شعر خردسال، کودک و نوجوان است اما در قالب‌های نیمایی و همچنین غزل نیز از تجربیات فراوان و ارزشمندی برخوردار است از جمله شاعرانی است که از ابتدای دهه ۱۳۷۰ در «جلسات دیدار امام شهید با شاعران» حضور داشته است. افشین علاء در گفت‌وگو با خبرآنلاین در خصوص «نخستین دفعات حضور در این جلسات» چنین می‌گوید: «نخستین دفعات حضور من در جلسات دیدار امام شهید با شاعران، به اوایل دهه ۷۰ برمی‌گردد تا جایی که به خاطر دارم، سال ۱۳۷۴، زمانی که خبر ازدواج من با ساقی ملکیان فرزند

شادروان مهدیه الهی قمشه‌ای را شنیدند بی‌نهایت منبسط شدند و فوق‌العاده اظهار محبت کردند. با این حساب، می‌توانم بگویم حضور من در قرار دیدار جمعی شاعران با امام شهید دست کم از سابقه‌ای ۳۰ ساله (از ۱۳۷۳ تا ۱۴۰۳) برخوردار است. هرچند قرار آخرین دیدار، دیدار سال ۱۴۰۴، چهارشنبه بعد از شهادت ایشان بود که متأسفانه هیچ‌گاه میسر نشد.»

او با اشاره به این که «آنچه بیش از هر چیز دیگر، موجب می‌شد سال به سال با اشتیاق بیشتر، چشم‌انتظار حضور در این دیدار جمعی باشم، توجه شخص ایشان بود» ادامه می‌دهد: «این دیدار، یک دیدار رسمی و فرمایشی نبود و به وضوح می‌دیدید که میزبان؛ شخص اول مملکت، امام امت و رهبر ملت با علاقه‌مندی، آغوشی گشوده و دقت تمام مراقب احوال و پیگیر آثار تک‌تک مهمانان است. چیزی که در کمتر میزبانی به این حد از جامعیت دیده می‌شود. یک دیدار رسمی و فرمایشی یا به قول کسانی که با ما زاویه دارند؛ یک دیدار حکومتی، خوشایند ما نیز نیست. چنانچه در بسیاری از موارد دعوت میزبان را نمی‌پذیریم یا در طول دیدار، اعتراض خود را نسبت به این موضوع بیان می‌کنیم اما حکایت دیدار امام شهید با شاعران، حکایتی دیگر بود؛ منظومه‌ای از مفاهیم ناب، احساسات عمیق، دریافت‌ها و کشف و شهودهای معنوی، اخلاقی و عرفانی. دیداری که برای سرآمدن زمان و تکرار دوباره آن، لحظه‌شماری می‌کردیم.»

علاء که «دارا تفنگ دارد» اولین ترانه‌هایش بود که به یکی از سرودهای معروف دهه ۶۰ تبدیل شد؛ ترانه‌ای با شخصیت‌هایی برگرفته از کتاب درسی اول دبستان در سال‌های مقارن با جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، با اشاره به این که «علاقه‌مندم توجه‌تان را به این نکته جلب کنم که از دل این دیدارها، برکات فراوان حاصل می‌شد» ادامه می‌دهد: «ازجمله این که ایشان طی این دیدارها با مهمانان‌شان انس و الفتی می‌یافتند که موجب می‌شد پس از آن فقط به تکرار سالانه دیدار اکتفا نکنند. به عنوان مثال، من به شخصه در طول ۳۰ سال گذشته در مقاطع گوناگون شاهد واکنش‌شان نسبت به آن بخش از اشعارم بودم که مورد پسندشان قرار می‌گرفت. اساساً این که ایشان اشعار شاعران را رصد می‌کردند و در مواردی، مواردی که از بخت‌یاری من چندین و چند مرتبه نصیب اشعارم شد، خود را موظف به فرستادن پیام تشکر می‌دانستند برای من در حکم گنجی پایان‌ناپذیر بود. ایشان بدون هیچ تعارفی برای اهالی قلم و شاعران قدر و ارجی ویژه قائل بودند، بی‌آن که همچون بسیاری از سیاستمداران در سراسر دنیا قصدشان از ترتیب دیدار با اهالی فرهنگ و هنر رونق بخشیدن به دستگاه خود باشد. امام شهید؛ منبعی فیاض از آموزه‌های الهی و اشراف بر زبان و ادب فارسی بودند که خود را بذل می‌نمودند. به عبارت بهتر، دیدار با شاعران را نه برای خاطر خودشان که برای خاطر ما ترتیب می‌دادند و بی‌آن‌که بهره‌ای از این دیدارها ببرند به‌واقع، شمع جمع بودند و در تمام ساعات برگزاری آن، حتی در سنین کهنسالی، با حوصله تمام گوش می‌سپردند، نقد می‌کردند، مضمون می‌آفریدند و راه‌های تازه پیش پای ما می‌گذاشتند.»

او اذعان می‌کند: «امام شهید بنا به اقتضائات زمانه بر بازنمایی مفاهیم آیینی، ارزشی و حماسی تأکید می‌کردند و همین‌طور بر نشان دادن واکنش نسبت به وقایع جهان اسلام و به همین خاطر هم بود که به من کمترین بی‌نهایت لطف داشتند تا جایی که موجب شرمندگی‌ام می‌شد و حتی منقلب می‌کرد. این البته به آن معنا نبود که ایشان شعر را، مانند برخی دیگر از مقامات رسمی، قالبی برای تبلیغ آرمان‌های نظام می‌پنداشتند. چراکه ما در اصل با یک ادیب، یک منتقد ادبی و یک شاعر چیره‌دست و آشنا با ذات شعر،

به معنای حقیقی کلمه، مواجه بودیم که شعر را سلاحی در خدمت اعتلاء زبان و ادب فارسی می‌دانستند. امام شهید ما، به‌واقع، جزو معدود حاکمان ایران‌زمین در طول تاریخ بودند که سرّ روئین‌تنی، عظمت و اقتدار کشور را به درستی «زبان فارسی» قلمداد می‌کردند و شبانه‌روز بر ضرورت حراست از این گنجینه تاکید داشتند. به گونه‌ای که می‌توانم ادعا کنم؛ ایشان به اندازه‌ای که نگران بنیه دفاعی و نظامی‌مان بودند و چه بسا بیشتر از آن، نگران زبان و ادب فارسی هم بودند.»

داستان تجلیل از احمد شاملو، مهدی اخوان ثالث و فروغ فرخزاد



این شاعر که ازجمله کتاب‌هایش در حوزه شعر کودک و نوجوان می‌توان به «یک عالم پروانه»، «یک سبد بوی بهار»، «بلدم شعر بگویم»، «نسیم دختر باد»، «خاطرات مه گرفته»، «گل صد برگ و تانک» و «دست‌های مادرم» اشاره کرد با بیان این که «ایشان ضمن اشراف کامل بر مضامین آیینی، با جریان شعر امروز؛ چه کلاسیک و چه نو آشنا بودند و در عین حال، همه سلیقه‌ها، نگرش‌ها و مکاتب ادبی را از قبل از انقلاب تاکنون می‌شناختند و هرگز هیچ‌کدام از آن‌ها را نقد نمی‌کردند»، ادامه می‌دهد: «ایشان حتی برای جریان روشنفکری شعر معاصر که پیش از انقلاب شکل گرفته بود نیز حرمت قائل بودند. اگرچه این جریان، پس از انقلاب با وجود همراهی حدودی اولیه، در ادامه خود را به هر دلیلی از حاکمیت کنار کشید و رودرروی نظام قرار گرفت. تا جایی که در دیدارهای جمعی، بارها و بارها از بزرگانی مانند نیما یوشیج، اخوان ثالث، فروغ فرخزاد و حتی احمد شاملو نه تنها شاهد مثال می‌آوردند بلکه تجلیل می‌کردند.»

به عقیده او، مشاهده چنین رفتاری از یک مرجع دینی و مجتهد شیعه که به هر حال منظومه فکری ویژه خود را از شعر در ذهن می‌پروراند و قاعدتا بیش از هر نوع شعری، با اشعار آیینی دمخور است «جزو شگفتی‌هاست.» او با ذکر خاطره‌ای می‌افزاید: «خاطرم هست در یکی از دیدارها، زمانی که ایشان در مورد احمد شاملو «صحبت کردند» تقریباً همه حاضران به تعجب افتادند. آن هم در حالی که ما شاعری

عریان‌تر از شاملو در ضدیت با نظام نمی‌شناسیم و این مسئله‌ای بود که احمد شاملو، خود نیز هیچ‌گاه کتمان نمی‌کرد اگرچه به هر حال جزو ستون‌های شعر معاصر بود. نتیجه این که امام شهید؛ این حکیم مجاهد، بی‌هیچ حب و بغضی، به عنوان کسی که در قبال زبان و ادب فارسی احساس مسئولیت می‌کردند دریافت‌های خود را به اشتراک می‌گذاشتند تا جایی که یک‌بار از شاملو نه صرفاً صحبت که از عاشقانه‌هایش «تجلیل کردند». خاطرم هست در یکی از جلسات ضمن استقبال از اشعار آیینی، حماسی و انقلابی برای تلطیف فضا به شوخی و جدی و شاید از سر مطایبه، نقل به مضمون، گفتند در حالی که همه ما دوست داریم شعر عاشقانه هم بشنویم، چرا کسی شعر عاشقانه نمی‌خواند؟!»

این دارنده نشان عالی فردوسی در بخش حماسه‌سرایی (بزرگداشت حکیم ابوالقاسم فردوسی - ۲۴ اردیبهشت ۱۴۰۱) می‌افزاید: «ایشان همین سوال را بهانه قرار دادند و در این مورد صحبت کردند که مضمون شعر فارسی برخلاف شعر بسیاری از جوامع دیگر ازجمله شعر عرب، همیشه مضمونی عقیف و عاشقانه‌هایش همواره در پرده بوده است. در واقع، ایرانی‌ها برای بیان مضامین عاشقانه معمولاً از تمثیل و کنایه بهره برده و در پرده سخن گفته‌اند، چه در شعر کلاسیک و چه در شعر معاصر. به عبارت دیگر، این صفت شعر فارسی است که همواره عقیفانه سخن می‌گوید.

امام شهید در ادامه عاشقانه‌های شاملو برای آیدا را مثال زدند و گفتند این اشعار سرشار از مضامین ناب عاشقانه است. تعجب حضار به حدی بود که یکی از جوانان حاضر مودبانه اعتراض کرد و گفت شاملو در بسیاری از اشعاری که می‌فرماید تعبیری به کار برده است که از نظر ما اخلاقی نیست. آقا اما در جواب با همان برخوردهای ظریف همیشگی دستی تکان دادند و گفتند خب همسرش بوده است و اشکالی ندارد. از نظر من این میزان از سعه صدر، رواداری و واقع‌بینی بسیار ارزشمند بود و هست و همان سال در مطلبی نوشتم که ای کاش همه متولیان امور فرهنگی ما از چنین نگرش وسیع و جامعی برخوردار بودند.»

علاء؛ برگزیده بخش کودک و نوجوان نخستین جشنواره بین‌المللی شعر فجر به همراه افسانه شعبان‌نژاد (بهمن ۱۳۸۵) با استفاده از عبارت «یاران خراسانی» برای توصیف «رابطه امام شهید با مهدی اخوان ثالث» می‌گوید: «خاطرم هست امام شهید همچنین بارها به مهدی اخوان ثالث ابراز ارادت می‌کردند و اسلوب سخن ایشان را شاهد مثال می‌آوردند. همان‌طور که احتمالاً می‌دانید این دو بزرگوار سال‌ها یار خراسانی هم بودند اما اخوان بعد از انقلاب، ضمن حفظ حرمت، همراهی نشان نداد اما عدم همراهی‌اش موجب نشد که آقا اخوان را از دایره ذهنی و زبانی خود حذف کنند.»

او که همکاری با مجلات «کیهان بچه‌ها» و «سروش نوجوان»، مشارکت در راه‌اندازی به‌عنوان نخستین روزنامه کودکان ایران، سردبیری نشریات «گنبد کبود»، «صدف» و «دوست» و... ازجمله سوابق اجرایی‌اش است با اشاره به نام فروغ فرخزاد، می‌افزاید: «در این میان، یاد کردن از فروغ فرخزاد که زنی با تجربه زیسته در فضای کاملاً روشنفکری بود به ظاهراً نباید چندان نسبتی با ادبیات مورد نظر انقلاب اسلامی می‌داشت.» علاء با یادآوری «سالی که ایشان در بیمارستان بستری بودند (۲۲ شهریور ۱۳۹۳) و شاعران به ملاقات‌شان رفتند» ادامه می‌دهد: «یکی از دوستان به عادت همیشگی اغلب ما ایرانی‌ها هنگامی که بر بالین بیماری می‌رویم، پس از سلام و علیک گفتند: خدا بد ندهد. آقا بلافاصله لبخندی زدند و پرسیدند مگر خدا بد می‌دهد؟! بعد پرسیدند می‌دانید چرا این اصطلاح میان ما رایج است؟

و شعر زیبایی خواندند که بخشی از ابیات آن از این قرار بود: «هر بلایی کز تو آید، رحمتی است/ هر که را فقری دهی، آن دولتی است/ تو بسی زاندیشه برتر بوده‌ای/ هرچه فرمان است، خود فرموده‌ای...» شعر که تمام شد پرسیدند می‌دانید از کیست؟ و ما نمی‌دانستیم. متعجب شدند و گفتند مثنوی «گره‌گشای» از دیوان اشعار پروین اعتصامی است. بعد هم در عظمت پروین صحبت کردند. خاطریم هست، نقل به مضمون، اضافه کردند برخی از روشنفکران، آن‌ها که با نظام و مفاهیم دینی زاویه دارند، برای آن که پروین را به حاشیه برانند از فروغ استفاده کردند. این را که گفتند، تاکید کردند البته منظور این نیست که فروغ شاعر خوبی نبوده، منظور این است که به فروغ پروبال بیشتری دادند تا پروین کمتر دیده شود. در عین حال که در اشعار فروغ هم می‌توان رد پای معنویت، آموزه‌های دینی و حتی آیات قرآن را دید، مخصوصاً در اشعاری که تاریخ سرایش آن‌ها به اواخر عمرش نزدیک‌تر است. ایشان، هم پروین و هم فروغ را شایسته تجلیل می‌دانستند و حرف‌شان این بود که یکی، نباید وسیله‌ای برای از میدان به در کردن دیگری شود و این میزان از اشراف، دقت و حساسیت‌شان برای همگی ما اعجاب‌آور بود.»

افشین علاء گفت‌وگو با خبرنگار آنلاین در مورد «جلسات دیدار شعرا با امام شهید» را این‌طور به پایان می‌برد:

«لحظه‌لحظه آن دیدارها مثل جرعه‌جرعه آبی گوارا بود که می‌نوشیدیم گرچه زبان بسیاری؛ چه در داخل و چه از خارج، در کار طعنه‌زدن بود و ما را شاعران حکومتی و صله‌بگیر می‌نامیدند. آن‌ها نمی‌دانستند که ما، صله‌ای هم اگر می‌گیریم همان نگاه مهربانی است که دلمان برایش تنگ شده است، نگاهی نه از سر تعارف و تکلف که پدران، دلسوزانه، مشفقانه و مراقب. نگاهی که به بهانه شعر مراقب حال تک‌تک‌مان بود و شعر برایش بهانه‌ای بود تا محبت پدران‌اش را ابلاغ کند.»